



نبرد سرخوشت؛

تغییر محاسبات

مجموعه پیام های تبیینی پیرامون
جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران





 payamenehzat.ir

 @ [paiamenehzat](mailto:payamenehzat)

فهرست

پیام اول	۴	رخداد ۲۸ اسفندماه، طلیعه نصرت الهی بود.
پیام دوم	۵	با افزایش تنش، موازنه مقابله به مثل و محاسبه پذیر بودن را به هم زدیم.
پیام سوم	۶	با حمله به تأسیسات نفتی آمریکا منطق فریب دشمن در مقصر جلوه دادن اسرائیل را به هم زدیم.
پیام چهارم	۷	ما به دنبال سلطه‌گری و استعمار در کشورهای حاشیه خلیج فارس نیستیم و نخواهیم بود.
پیام پنجم	۸	عملیات ۲۸ اسفند سطح بی بدیلی در راستای تولید بازدارندگی بود.
پیام ششم	۹	عملیات ۲۸ اسفند اثر سازنده‌ای در روابط ما با کشورهای خلیج فارس خواهد داشت.
پیام هفتم	۱۰	اولین عقب‌نشینی در طول جنگ توسط ترامپ بعد از عملیات مقتدرانه بامداد ۲۸ اسفند رخ داد.
پیام هشتم	۱۱	تلاش آمریکا برای تحریک افکار عمومی جهان اسلام علیه ایران ناکام بوده است.
پیام نهم	۱۲	غرور، عامل شکست است.
پیام دهم	۱۳	جنگ جاری مصداق «و مارمیت اذ رمیت و لکن الله رمی» است.
پیام یازدهم	۱۴	نصرت الهی در صورت ایمان به قدرت الهی شامل حال ما می‌شود.
پیام دوازدهم	۱۵	در صورت خروج آمریکا از منطقه، ما به دنبال خدمت به مردم مسلمان منطقه خواهیم بود.
پیام سیزدهم	۱۶	پاسخ ۲۸ اسفند نیروهای مسلح ایران و جوه متعدد راهبردی دارد.
پیام چهاردهم	۱۷	رخداد ۲۸ اسفندماه مهم‌تر از ملی شدن صنعت نفت است.

رخداد ۲۸ اسفندماه، طلیعه نصرت الهی بود.

در منطق قرآن کریم، یاری دین خداوند تنها یک توصیه اخلاقی یا معنوی نیست، بلکه قاعده‌ای قطعی در نظام الهی جهان به شمار می‌رود. خداوند در آیه‌ای روشن و امیدبخش می‌فرماید: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»؛ اگر شما خدا را یاری کنید، خداوند نیز شما را یاری خواهد کرد و گام‌هایتان را استوار می‌سازد. این آیه بیانگر یک سنت الهی است؛ سنتی که در طول



تاریخ اسلام بارها تحقق یافته و نشان داده است که ایمان، ایستادگی و حضور مؤمنانه در میدان، زمینه‌ساز نصرت الهی خواهد بود. در سال‌های اخیر نیز این حقیقت قرآنی بارها مورد تأکید رهبر انقلاب قرار گرفته است. ایشان همواره بر این نکته تأکید کرده‌اند که شرط برخورداری از یاری الهی، ایستادن در مسیر حق، دفاع از ارزش‌های الهی و حفظ روحیه امید و اعتماد به وعده‌های خداوند است. در این نگاه، جامعه‌ای که در سخت‌ترین شرایط به خداوند توکل کند و در میدان مسئولیت حاضر شود، از پشتیبانی الهی برخوردار خواهد شد.

پس از وقایع تلخ شهادت رهبر انقلاب و نیز حمله و تجاوز خارجی، ملت ایران بار دیگر این حقیقت قرآنی را در میدان عمل نشان دادند. مردم و رزمندگان، با تکیه بر ایمان و اعتماد به وعده‌های الهی، با روحیه‌ای استوار و عزمی راسخ در صحنه حاضر شدند. این حضور نه صرفاً واکنشی احساسی، بلکه جلوه‌ای از باور عمیق به سنت‌های الهی بود؛ باوری که می‌گوید در برابر ظلم و تجاوز باید ایستاد و در این مسیر به یاری خداوند امید داشت.

رخداد ۲۸ اسفندماه را می‌توان طلّیعه‌ای از همین نصرت الهی دانست. در چنین لحظاتی، جامعه مؤمن احساس می‌کند که وعده الهی در حال تحقق است و نشانه‌های یاری خداوند در میدان آشکار می‌شود. این تجربه تاریخی بار دیگر یادآوری کرد که وقتی ملتی برای دفاع از دین، عزت و استقلال خود به میدان می‌آید، نصرت الهی نیز به یاری او می‌شتابد. بر اساس همین سنت الهی، تا زمانی که ملت با ایمان، وحدت و استقامت در مسیر حق ایستادگی کنند، امید به تداوم یاری خداوند زنده خواهد بود.

با افزایش تنش، موازنه مقابله به مثل و محاسبه پذیر

بودن را به هم زدیم.

X.com

علیرضا تنگسیری
@alirezatanghiri



ملت قهرمان

حضور شما در خیابان برگ برنده ما شده و زین پس باعث معادلات جدیدی در منطقه خواهد شد.
با به روز شدن بانک اهداف، #تأسیسات نفتی مرتبط با آمریکا هم همردیف پایگاه های آمریکایی بوده و با قدرت زیر آتش خواهد رفت.
به شهروندان و کارگران اخطار می دهیم از این تأسیسات فاصله بگیرند.

۱۱۷۰۶۸ ۲۰۲۵ ۳۰۱۸

طی سه هفته جنگ، هر تجاوزی از سوی دشمن، با پاسخی شدیدتر مواجه شده است و اگرچه ایران آغازگر هیچ تنش نبود اما هر تنش را به تنش شدیدتر تبدیل کرده است. این رویکرد که توانسته است طی سه هفته تداوم پیدا کند، در مورد آخر به حمله دشمن علیه پالایشگاه عسلویه مربوط می شود که پاسخی بسیار وسیع تر یافت. به هیچ وجه پاسخ ایران را نمی توان

یک اقدام مقابله به مثل گونه تعریف کرد، بلکه ایران به شکلی شفاف اثبات کرد که زیرساخت هایش، معادل زیرساخت های کل منطقه است و چند برابر شدیدتر از حمله ای که تجربه کرده بود، به زیرساخت های دشمن در قطر، عربستان و امارات حمله کرد. حمله ای که پیش از آن با خواهش و تمنا مقامات عربی برای منصرف کردن ایران همراه شده بود، اما ایران به این خواسته های نابجا و مغرضانه توجهی نکرد و آتشی فزاینده را بر زیرساخت های دشمن کوباند؛ لذا بلافاصله پس از آنکه ایران زیرساخت های منطقه را هدف قرار داد، التهابات منطقه ای و جهانی افزایش یافت، تا جایی که کشورهای اروپایی در بیانیه ای مشترک خواستار توقف حملات زیرساختی شدند و حتی رئیس جمهور جنایت کار آمریکا، به شکلی آشکار عقب نشینی کرد و خود را بی اطلاع از حمله به عسلویه دانست و درخواست کرد تا ایران دیگر به چنین حملاتی ادامه ندهد. این رویکرد نیروهای مسلح، نه تنها نشان می دهد آنها صرفاً مقابله به مثل نمی کنند، بلکه اساساً به نحوی عمل می کنند که امکان محاسبه پذیر بودن رفتارشان از جانب دشمن منتفی شود و عملاً نقش تعیین کننده جنگ را برعهده بگیرند که تاکنون بسیار موفق بوده اند.

با حمله به تأسیسات نفتی آمریکا در منطقه منطق فریب دشمن در مقصر جاودادان اسرائیل را به

هم زدیم.

پاسخ کوبنده ایران به تأسیسات انرژی در منطقه، نقطه عطفی بی‌بدیل در خنثی‌سازی استراتژی چندلایه دشمن پس از تهاجم به پارس جنوبی به شمار می‌رود. دشمن با طراحی یک سناریوی فریب، تلاش داشت رژیم صهیونیستی را به عنوان تنها عامل میدانی این تجاوز معرفی نماید و هزینه‌های احتمالی پاسخ ایران را محدود به آن کند تا بتواند تأسیسات انرژی منطقه و اقتصاد جهانی



را از تبعات این تقابل به حداقل برساند، اما پاسخ قاطع ایران به تأسیسات انرژی منطقه و منافع آمریکا، این استراتژی را باطل کرد و نشان داد که تفکیک میان امر و مجری دیگر موضوعیت ندارد. با این عملیات، رویارویی از فاز نیابتی خارج شده و هزینه‌های راهبردی مستقیماً به شریان‌های اقتصادی منطقه و ایالات متحده تحمیل گردید. با درهم شکستن مرزبندی‌های ساختگی دشمن، جغرافیای نبرد بازتعریف شد و بار دیگر ثابت شد که تمام منطقه میزبان منافع آمریکایی، در دایره تقابل قرار دارد و این معادله، در لایه جنگ زیرساختی نیز برقرار است و ممکن است شدیدتر باشد. در عرصه تحولات میدانی، کنترل نردبان تشدید تنش به طور کامل در اختیار ایران است و ملاحظات کشورهای میزبان آمریکا و بعضاً فتنه‌انگیز منطقه دیگر برای ایران وجود ندارد. خویشتن‌داری چندین ساله ایران در مقابل اقدامات خصمانه برخی همسایگان به کلی تغییر کرده و آنها باید این پیام را دریافت کنند که ایران قرار نیست طبق مناسبات و اقدامات گذشته خود رفتار کند. ایران با این اقدام، از فاز واکنش منفعلانه خارج شد و ابتکار عمل را به دست گرفت. توییت ترامپ در واکنش به این اقدام بسیار حائز اهمیت است و نشان از اثرگذاری این استراتژی در میدان دارد. این سطح از اقتدار، یک معماری جدید در بازدارندگی خلق کرده و به واشنگتن ثابت نمود که هرگونه ماجراجویی با هر واسطه‌ای در آینده، بهای مستقیمی برای آن‌ها به همراه خواهد داشت. هم‌زمان، این اقدام یک هشدار صریح و راهبردی به کشورهای میزبان آمریکاست مبنی بر اینکه میزبانی از زیرساخت‌های نظامی متجاوز، دیگر حاشیه امنی ندارد و مستقیماً امنیت ملی آن‌ها در هر سطحی را هدف قرار خواهد داد.

ما به دنبال ساطه‌گری اشغال‌گرانه و استعماری در کشورهای حاشیه خلیج فارس نیستیم و نخواهیم بود.



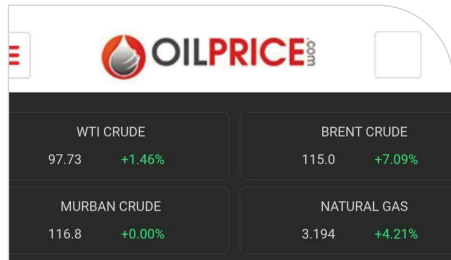
شعار انقلاب اسلامی به عنوان نمادی از عقلانیت انقلاب، با واژه «استقلال» آغاز می‌شود و این استقلال، صرفاً رهاوردی نیست که جمهوری اسلامی برای ملت خودش به ارمغان آورده باشد. این آرمانی است که ملت ایران برای تمام جهانیان و آزادگان جهان دنبال می‌کند. به همین جهت، آنچه ما در منطقه دنبال می‌کنیم، در امتداد عقلانیت انقلاب اسلامی قرار

می‌گیرد که قصد دارد استقلال را در سطح منطقه نیز به وجود آورد تا هر ملتی آزادانه و باتکیه بر توانایی‌های خودش رشد کند و جیره‌خوار نیروهای ظالم و استعمارگر نشود؛ لذا از حیث راهبردی، منطق کنشگری ایران در معادلات قدرت منطقه، برآمده از ایدئولوژی انقلاب اسلامی است و نباید آن رویکرد استعماری و اشغال‌گرانه‌ای که رژیم صهیونیستی و آمریکا در منطقه داشتند به کنشگری‌های ایران نیز تسری داده شود. اگر چنین بود، ایران به‌سادگی می‌توانست از دهه‌ها قبل، اقدام به بستن تنگه هرمز کرده و قدم به قدم در مسیر تأمین منافع ملی خود، دولت‌ها و ملت‌های منطقه را وادار به مذاکره با خود کند و آنها را وادار به پذیرش طرح‌های استعمارطلبانه خود کند؛ لذا با توجه به این تجربه صادقانه ایران در تعاملات منطقه‌ای، در نظم جدیدی که پس از جنگ در منطقه شکل خواهد گرفت نیز، اصل مسلمی که ایران برخلاف کشورهای خائن منطقه و قدرت‌های استعماری جهان دنبال می‌کند، استقلال است؛ لذا جمهوری اسلامی هیچ برنامه‌ای برای سلطه و استعمار دولت یا ملتی نداشته و تمام تلاش خود را می‌کند تا کشورهای حاشیه خلیج فارس و کل کشورهای منطقه، در جایگاهی متناسب با معادلات قدرت جدید قرار داده شوند و استقلال آنها نیز به رسمیت شناخته شود، چیزی که آنها هرگز در تعامل با دشمنان استعمارگر تجربه نکردند.

عملیات ۲۸ اسفند سطح بی بدیلی در راستای تولید

بازدارندگی بود.

حمله محدود ائتلاف آمریکا و اسرائیل به مخازن گازی پارس جنوبی، با واکنش کاملاً متفاوت و قاطعی از سوی جمهوری اسلامی ایران مواجه شد. در پی این تجاوز آشکار، ایران در یک عملیات تلافی جویانه و دقیق، مخازن ال پی جی قطر و سایر بخش های حساس و شریان های اصلی انرژی منطقه خاورمیانه را هدف قرار داد.



در شرایطی که تهاجم اولیه دشمن به مخازن محدود می شد و گستردگی آن شامل پالایشگاه ها نمی شد، اقدام متقابل ایران گستره جغرافیایی و راهبردی وسیعی را در بر گرفت و سطح برخورد نظامی را به شکل معناداری ارتقا داد. بالابردن سطح حمله توسط نیروهای مسلح ایران، پیام واضح و غیرقابل انکاری را به جهان و کشورهای متخاصم مخابره کرد. این اقدام جسورانه اثبات می کند که ایران اراده کامل، توانمندی عملیاتی لازم و شجاعت مورد نیاز برای حمله و فلج کردن زیرساخت های حیاتی انرژی در سراسر منطقه را دارد. ایران با این عملیات غافلگیرانه ثابت کرد که در صورت تجاوز به منافع خود، هیچ گونه الزامی به رعایت اصل تقارن در پاسخ دهی ندارد و ضرباتی به مراتب فراتر، دردناک تر و سهمگین تر وارد خواهد ساخت. این رویکرد جدید، قواعد درگیری خاورمیانه را به طور کامل تغییر داده و دشمن را مجبور می کند تا از این پس در تمامی محاسبات نظامی و استراتژیک خود، این سطح از قاطعیت و پاسخ های نامتقارن را به شدت لحاظ کند.

نتایج و دستاوردهای این رویکرد، قاطعانه به سرعت خود را در بالاترین سطوح سیاسی بین المللی نشان داد. دونالد ترامپ با تغییر لحنی کاملاً آشکار، رسماً در رسانه ها اعلام کرد که اسرائیل دیگر چنین حملاتی را تکرار نخواهد کرد. این موضع گیری صریح، به عنوان اولین عقب نشینی رسمی و معنادار ترامپ از زمان آغاز جنگ شناخته می شود. عملیات ۲۸ اسفند با نمایش قدرت ویرانگر خود، به خوبی توانست سطح بازدارندگی را ارتقا دهد و آن را تثبیت نماید.

با توجه به حاکم بودن منطق اقتدار، عملیات ۲۸ اسفند اثر سازنده‌ای در روابط ما با کشورهای خلیج فارس خواهد داشت.



جنگ اخیر ائتلاف آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران، تحلیل‌ها و گمانه‌زنی‌های متعددی را در فضای سیاسی و رسانه‌ای به دنبال داشته است. در جریان این تقابل، عملیات کوبنده ۲۸ اسفند در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس کانون توجه ناظران

بین‌المللی شد. در همین راستا، گروهی از تحلیلگران ادعا می‌کنند که این حملات باعث تیره‌وتار شدن روابط دیپلماتیک ایران با همسایگان جنوبی خود خواهد شد و انزوای منطقه‌ای را در پی خواهد داشت.

برای ارزیابی دقیق، ابتدا باید به پیشینه تاریخی روابط تهران و پایتخت‌های عربی نگاهی واقع‌بینانه انداخت. کشورهای حاشیه خلیج فارس در هیچ مقطعی از تاریخ معاصر، روابط بسیار خوب و در سطح پیوندهای استراتژیک با ایران نداشته‌اند. تعاملات فی‌مابین همواره با سطحی از احتیاط، سردی و تحت‌تأثیر القائات و فشارهای قدرت‌های فرامنطقه‌ای پیش رفته است؛ بنابراین، ترس از فروپاشی یک رابطه استراتژیک عمیق، فاقد پشتوانه تاریخی است.

در گام بعدی باید به ذات و واقعیت نظام بین‌الملل توجه کرد. در دنیای کنونی، منطق محض قدرت بر تمامی معادلات دیپلماتیک و سیاسی حاکم است. کشورها بر اساس میزان اقتدار، صلابت و توانمندی همسایگان خود، سطح روابط خود را تنظیم می‌کنند. بر اساس همین منطق، در صورتی که ایران از این جنگ پیروز و سربلند بیرون بیاید، معادلات ذهنی حاکمان منطقه کاملاً دگرگون خواهد شد. تثبیت اقتدار ایران به وضوح نشان می‌دهد که تکیه بر قدرت‌های غربی امنیت‌ساز نیست. در نتیجه، کشورهای عربی منطقه خلیج فارس برای تضمین امنیت خود به سمت ایجاد روابطی سازنده‌تر و نزدیک‌تر با یک ایران قوی متمایل خواهند شد و در نهایت این عملیات مسیر را برای نظامی جدید هموار خواهد کرد.

اولین عقب نشینی در طول جنگ توسط ترامپ بعد از عملیات مقتدرانه بامداد ۲۸ اسفند رخ داد.

بررسی و تطبیق مواضع و اظهارات رئیس جمهور ایالات متحده در طول هفته های اخیر، پرده از یک الگوی رفتاری کاملاً مشخص در ماشین محاسباتی دشمن برمی دارد که برای دستگاه محاسباتی تصمیم گیری در ایران بسیار ارزشمند و قابل استفاده است.

برای درک بهتر این تغییر فاز استراتژیک، مقایسه دو واکنش متفاوت ترامپ به دو رویکرد متفاوت از سوی ایران بسیار راهگشا است. در مقطعی از جنگ یک سیگنال آشتی جویانه و توأم با ظاهر عقب نشینی در قالب عذرخواهی رئیس جمهور ایران از کشورهای عربی مخابره شد، فارغ از برداشت اشتباه دشمن از این پیام، سیستم

محاسباتی ترامپ این اقدام را به عنوان نقطه فروپاشی اراده ایران تفسیر کرد. او این گونه پیام داد: «ایران عذرخواهی کرده و تسلیم همسایگان خود در خاورمیانه شده است... آنها دیگر قلدر خاورمیانه نیستند، بلکه بازنده خاورمیانه هستند... امروز ایران ضربه بسیار سختی خواهد خورد و تخریب کامل و مرگ قطعی آنها در دست بررسی جدی است».

در این مقطع، یک قدم عقب نشینی ظاهری دیپلماتیک، نه تنها سایه جنگ را دور نکرد، بلکه به دلیل مخابره نوعی پیام تسلیم و ضعف، دشمن را برای وارد کردن ضربات مهلک تر جسور نمود. در نقطه مقابل، پس از پاسخ کوبنده و ویرانگر بامداد ۲۸ اسفند به منافع استراتژیک منطقه، الگوی رفتاری ترامپ به طور کامل دگرگون شد و بلافاصله ترمز ماشین جنگی واشنگتن را کشید. ترامپ در موضع گیری جدید خود با لحنی منفعلانه ضمن تلاش برای تبرئه خود اعلام کرد «ایالات متحده هیچ چیز درباره این حمله خاص نمی دانست. دیگر هیچ حمله ای توسط اسرائیل به این میدان بسیار مهم و باارزش پارس جنوبی انجام نخواهد شد».

این دوگانه رفتاری، یکی از مهم ترین درس های استراتژیک در این نبرد کنونی بود. دشمنی که در برابر یک عذرخواهی دیپلماتیک از کشورهای منطقه، وعده مرگ قطعی می داد و ادعای پیروزی می کرد، در برابر موشک باران زیرساخت های منطقه، صراحتاً عقب نشینی کرده، و ضمانت می دهد که «حملات اسرائیل تکرار نخواهد شد».



تلاش امریکا برای تحریک افکار عمومی جهان اسلام علیه ایران ناکام بوده است.



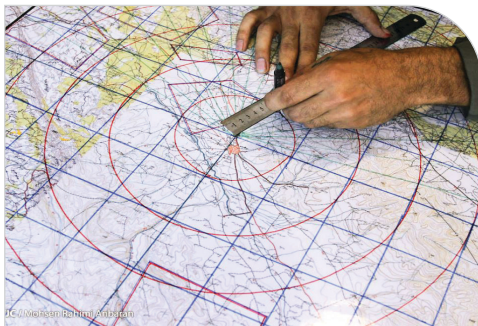
برخلاف جریان رسمی رسانه های جهان عرب و برخی تریبون های سیاسی که وابستگی های روشنی به ایالات متحده دارند، عمده فضای نخبگانی و عمومی مردم در کشورهای غرب آسیا، کاملاً در حمایت و همراهی از مقاومت ملت ایران قرار دارد. این موج حمایتی شامل همه طیف های مختلف از جمله اسلام گرا و سکولار می شود. ذهنیت عمومی در

کشورهایی چون ترکیه، مصر، عراق، لبنان و پاکستان به طرز محسوسی در آرزوی پیروزی جمهوری اسلامی و شکسته شدن چهره هژمونیک امریکا در منطقه می باشد. حتی در بسیاری از کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز فارغ از جمعیت شیعیان یا نزدیکان طایفه ای به ایرانیان، طیف های قابل توجهی اسیر سیاست های رسانه ای ضد ایرانی نشده و با هیجان پیگیر موفقیت های ایران در این جنگ می باشند.

به رغم سیاه نمایی های دائمی، امروز برای بسیاری از روشنفکران و بدنه عمومی مردم در جهان اسلام روشن شده است که جمهوری اسلامی به دنبال تغییر حاکمیت ها در خلیج فارس یا سایر بلاد اسلامی نیست و مساله کلیدی ما تعطیل شدن پایگاه های امریکایی و خروج امریکا از منطقه است. آن ها به خوبی دریافته اند که ما حتی نمی خواهیم در این حاکمیت ها ناآرامی هایی پدید بیاید و مسأله تک تک کشورهای اسلامی را مسأله خودمان می دانیم. اینبار مقاومت حماسی مردم، صادق و ثابت بودن نظام اسلامی بر آرمان هایش و دستاوردهای خدشه ناپذیر ایران در صحنه نبرد موجب شده است تا تلاش های امریکا برای تحریک افکار عمومی جهان اسلام علیه ایران ناکام بماند.

غرور، عامل شکست است.

در تجربه های تاریخی جنگ و دفاع، گاهی موفقیت در یک یا چند عملیات، فضایی از شور و اعتماد به نفس را در میان رزمندگان و جامعه ایجاد می کند. پیروزی های مقطعی در برابر دشمن می تواند امید و انگیزه را تقویت کند؛ اما همین احساس، اگر به غرور و خودبزرگ بینی تبدیل شود، به یکی از مهم ترین عوامل شکست بدل خواهد شد.



غرور، به معنای اتکا به توان و برنامه خودی و نادیده گرفتن همه کاره بودن خداوند متعال، ضعفها و محدودیت های موجود، خطر بزرگی است. بسیاری از شکست های بزرگ زمانی رخ داده که نیروهای پیروز در دام اعتماد بیش از حد به خود افتاده اند و دشمن را دست کم گرفته اند. غرور، انسان را نسبت به واقعیات میدانی بی توجه می کند و توان پیش بینی پیامدها را کاهش می دهد. در عرصه نظامی، این بی دقتی می تواند خسارات جبران ناپذیری به همراه داشته باشد.

از سوی دیگر، در نگاه ایمانی و معنوی، هرگونه پیروزی و توفیق، نهایتاً از عنایت و نصرت خداوند است. ابزار و امکانات محدود انسانی، جز به اذن الهی به نتیجه نمی رسند؛ بنابراین، پیروزی حقیقی زمانی ارزشمند است که با تواضع و سپاسگزاری همراه باشد و افتخار و غرور از میان رزمندگان و مدیران دور شود.

یادمان باشد افتادن در دام غرور، مقدمه شکست است. برعکس، تواضع، واقع بینی و توکل به خدا می تواند مسیر پیروزی مستمر را هموار کند. هرگاه غرور جای واقع نگری و شکرگزاری را بگیرد، همان نقطه آغاز آسیب و ناکامی خواهد بود. پیروزمندان واقعی آن هایی هستند که خود را ناتوان نمی بینند، اما پیروزی را تنها به خود نسبت نمی دهند؛ بلکه آن را از جانب خداوند متعال می دانند.

جنگ جاری مصداق «وما رمیت اذ رمیت ولكن الله

رمی» است.



آنگاه که تیر انداختی، این تو نبودی که پرتاب کردی؛ بلکه این خدا بود که تیر را پرتاب کرد. این تبیین خداوند متعال صرفاً یک صورت‌بندی الهیاتی از واقعیت جاری جنگ امروز ما با ابرقدرت دنیا نیست. واقعیت میدانی نیز به وضوح نشان از امداد غیبی الهی دارد. اگر این امداد غیبی الهی تا اینجای جنگ نبود، قدرت مادی ما در مقایسه با قدرت مادی ابرقدرت دنیای امروز قابل‌مقایسه نبود. قدرت امنیتی اطلاعاتی ما قابل‌مقایسه با قدرت اطلاعاتی و امنیتی ابرقدرت دنیا نیست. در عرصه رسانه و افکار عمومی نیز توان مادی دشمن ده‌ها برابر توان ما است. آنچه امروز باعث پیروزی ما شده است، به وضوح امداد غیبی و نصرت الهی است. اولین مرحله این نصرت در جرئت دادن به دل مردم ایران و مسئولین ماست، رفتن به سمت انتخاب‌های

سختی همچون تشدید تنش در پاسخ به هجمه دشمن، جرئتی ویژه می‌خواهد. این آرامش و سکینه در دل مسئولین و مردم، به هیچ وجه طبیعی نیست. طبق آیات قرآن در سوره مبارکه انفال، این نزول ملائکه الهی است که این آرامش و این جرئت را در دل مؤمنین پدید می‌آورد.

به هیچ وجه قدرت موشکی و پهپادی و پیشرفت‌های تکنولوژیک نظامی کشور عزیزمان را نباید دست‌کم بگیریم. درعین حال واقعیت این است که پیروزی ما بر قدرت برتر نظامی جهان، تنها و تنها به واسطه امداد غیبی خدا بوده و هست. اصابت‌های دقیق و عبورکردن از کنار پدافندها و ابزارهای رصدی چندلایه دشمن همه‌وهمه به دست غیبی خداوند متعال در حال تحقق است.

این آیه کریمه باید ذکر مدام همه مردم ایران باشد. تا انتهای این جنگ و دفاع مقدس باید بدانیم این ما نیستیم که در حال پیروزی بر دشمنیم. اگر نبود کمک و نصرت غیبی الهی ما در همان لحظه اول در مقابل دشمن شکست خورده بودیم. ما برتریم و پیروز در این جنگ اما به نصرت و دست غیبی خداوند متعال. از این رو به پیروزی‌هایمان نباید مغرور شویم. همه قدرت‌های عالم در دست اوست. اوست که موشک‌ها را پرتاب می‌کند و به هدف می‌زند.

نصرت الهی در صورت ایمان به قدرت الهی شامل حال ما می شود.

اسلام یعنی تسلیم. این تسلیم نتیجه فهم ضعف و کوچکی خود در مقابل خداوند است. خداوند، مالک حقیقی است و ما هیچ مالکیتی بر چیزی نداریم. این صلاهی عام قرآن است که: ای مردم! شما نیازمندان به خدا هستید و آنکه غنی است خود خداست. ما در نمازمان قبل از شهادت به رسالت پیامبر ختمی



او را عبد می خوانیم. اصلاً غایت خلقت جز بندگی نیست و بندگی هم یعنی پذیرش مالکیت الهی و تسلیم محض بودن. از همین روست که سجده که اوج ذلت نفس است، محبوب ترین حالت بنده دانسته شده است. هرگونه نفس پرستی و هواخواهی ولو در لباس اسلام و به نام اسلام از نظر اسلام مردود است. حضرت امیر (ع) که مولای متقیان و امیرمؤمنان است پس از غلبه بر مرجب بلافاصله او را نکشت مبادا خشمش الهی نباشد! پیامبرمان با تحذیر درباره شرک خفی (یعنی فراموشی خدا و توجه به دیگری ولو اینکه آن دیگری، خود ما باشد)، راه یافتن شرک را مخفی و خزنده مانند راه رفتن مورچه سیاه بر سنگ سیاه در شب ظلمانی دانسته اند.

خدایی که پیامبرانش را گاه به آسان ترین جنود یاری می رساند؛ چنان که عزیزترین بندگان را به تار عنکبوتی و عزیزدیگر چون یوسف را به خوابی و داوود را به سنگی، و در مقابل دشمنانش را گاه به آسان ترین سبب هلاک می سازد؛ چنان که نمرود را به پشه ای می کشد؛ همه چیز در دست اوست و ما کاره ای نیستیم. به تعبیر امام راحل ره در تضرع به درگاه الهی: ما هیچیم و هرچه هست تویی!

ما با این حال، نصرت می یابیم و این نصرت است که مطلوب خداوند و رسولان اوست. اکنون که در معرکه ای آخرالزمانی مجاهده می کنیم باید این حقیقت را به مثابه راقی ترین گوهر خلقت در وجود خویش زنده نگاه داریم. اگر هم نصرتی آمد، بازهم دستور قرآنی، تسبیح و تنزیه الهی توأم با استغفار و توبه است.

در صورت خروج آمریکا از منطقه، ما همچنان ایثارگرانه به دنبال خدمت به مردم مسلمان منطقه خواهیم بود.



استعمار، جنگ، خیانت و خسارت، مفاهیمی است که به محض ورود آمریکا به یک منطقه، ملت‌ها آنرا به شکلی ملموس تجربه می‌کنند و در این روزهای جنگ که ملت‌های عربی، سپر بلای ایالات متحده و رژیم صهیونیستی شده‌اند، بیش از پیش این مفاهیم را حس می‌کنند. اما حالا که صحبت از اخراج آمریکا از منطقه شده است، قدری دل امت اسلامی و ملت‌های آزاده منطقه امیدوار شده است و روزنه‌ای را فراروی آینده خود می‌بینند. اگرچه آنها از ترس حکومت‌هایشان که وابسته به آمریکا و رژیم صهیونیستی هستند، جرئت نمی‌کنند آنرا به شکلی علنی و اجتماعی فریاد بزنند اما جمهوری اسلامی، به خوبی از آنچه در دل ملت‌های مسلمان می‌گذرد آگاه است.

به همین جهت با اخراج آمریکا از منطقه، جمهوری اسلامی تلاش می‌کند در راستای خلق آینده‌ای بدون آمریکا برای منطقه قدم بردارد و مسئولیت‌های خود در قبال امت اسلامی را به نحو احسن به انجام برساند. این تفاوت دولت جمهوری اسلامی با دولت‌های خائن و به ظاهر مسلمان منطقه است که نشان می‌دهد جمهوری اسلامی، به معنای واقعی کلمه، نظامی است که مردمی است و در راستای تحقق استقلال، آزادی و عدالت، پشتیبان ملت‌های آزاده خواه و خصوصاً مسلمان است. لذا رویکرد خدمت رسانی ایثارگونه جمهوری اسلامی که برآمده از ایده همبستگی ملت‌های اسلامی است، پس از اخراج آمریکا با قوت تداوم خواهد یافت و دیگر آمریکایی نخواهد بود که بخواهد در این زمینه مداخله کرده و کارشکنی کند.

پاسخ ۲۸ اسفند نیروهای مسلح ایران وجود متعدد راهبردی دارد.

آنچه که در شب ۲۸ اسفند توسط نیروهای مسلح ما در هدف گرفتن منافع انرژی مرتبط با آمریکا در کشورهای حاشیه خلیج فارس رقم خورد، بیش از یک ضربه نظامی صرف بود. این ضربه دارای دلالت‌های چندگانه راهبردی بود. مهم‌ترین مسئله نشانی بود از اراده فعال و جدی



ایران برای دفع هرگونه پیشروی دشمن. دشمن می‌خواست با برخی ضربات به زیرساخت‌های عسلیویه و بندر انزلی ما را بیازماید یا گام به گام به صورتی آهسته ضربه به زیرساخت‌ها را آغاز کند. نوع طراحی ما نشان داد که معادله راهبردی، زیرساخت در مقابل زیرساخت است. اجرای آن و اثراش چنان شد که نشان داد ایران و نیروهای مسلحش صرفاً سخن نمی‌گویند؛ بلکه رجزخوانی‌شان در میدان اجرا می‌شود. آنچه که البته اجرا شد؛ چون به مراتب عمیق‌تر از توقع دشمن بود، درعمل ظهور اراده ما برای عقب راندن دشمن و دوزنگه داشتن آن از زیرساخت‌ها را به خوبی نمایان ساخت.

نکته دیگر شکستن نظام محاسباتی دشمن بود. شاید تصور او یا احتمال ذهنی‌اش آن بود که ایران به خاطر تبعات نبرد زیرساختی تلاش خواهد کرد پاسخی محدود و متناسب با حجم عملیات او به میدان آورد و حال آنکه عملیات ۲۸ اسفند چنین محاسباتی را درهم بشکست؛ دشمن فهمید که یا نباید وارد مسئله زیرساخت شود یا باید تبعات بسیار وحشتناکی را به انتظار بنشیند.

زنده بودن قدرت آفندی ایران به رغم مدعیات ترامپ و وزیر دفاعش یک نتیجه واضح دیگر بود، بلکه پیچیدگی و توان اجرا در هدف قراردادن شرق عربستان در دریای سرخ و حتی یک خط‌گازی میان لیبی و اروپا توسط مقاومت، فرادستی ایران در اجرای عملیات مرکب و چندلایه و راهبردی نظامی را به رخ کشید.

ضربه‌پذیری اقتصاد و انرژی جهانی از توان ایران، آورده راهبردی دیگر بود و همه این‌ها منجر به توییت عقب‌نشینی ترامپ شد. توییتی حاوی عقب‌نشینی کلامی البته مبتنی بر دروغ و بازهم تهدید؛ تهدیدی پوک که خود او هم در اجرای مشابه آن تاکنون ناتوان بوده است.

رخداد ۲۸ اسفندماه مهم‌تر از ملی شدن صنعت

نفت است.



۲۸ اسفندماه ۱۴۰۴ و ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹، هر دو از این جهت که نماد تصمیمی سرنوشت ساز و جسورانه برای آینده ایران و استقلال کشور خصوصاً در حوزه انرژی هستند و همچنین هر دو در لبه‌ی مقطع تغییر نظم جهانی به وقوع پیوستند، با یکدیگر اشتراکات نزدیکی دارند اما به جهت تعددی، رخداد بامداد ۲۸

اسفند بسیار عظیم تر و مبارک تر از ملی شدن موقتی نفت در مجلس شانزدهم است.

جهت اول: رخداد ۲۸ اسفند و پاسخ راهبردی نیروهای مسلح برای حفظ استقلال کشور در حوزه منابع گازی و نفتی در شرایطی رقم خورد که ابتدا پروژه کودتا با حضور حماسی و ممتد مردم در خیابان های سراسر کشور شکست خورد و متعاقب آن پدیده تاریخی ۲۸ اسفند و اقدام تقابلی، هوشمندانه و جسورانه ایران به وقوع پیوست، اما در مقطع ۲۹ اسفند، اقدام استقلال طلبانه سیاسیون و احزاب ملی گرا و اسلام گرا، بدون سرمایه اجتماعی کلید خورد و به همین جهت پس از مدت اندکی این حرکت با کودتای ۲۸ مرداد زمین گیر شد. جهت دوم: درست است که در ملی شدن نفت با جسارت فدائیان و ترور رزم آرا در برابر استکبار داخلی ایستادگی شد و طرح در مجلس به سرانجام رسید ولی در ۲۸ اسفند با درایت نیروهای مسلح در برابر عصاره استکبار جهانی و منطقه ای ایستادگی گردید و برای حراست از حقوق ملت ایران، تضمین عملی دریافت شد. جهت سوم؛ در ماجرای ملی شدن نفت، ابتدا اقدامات حقوقی ایران برای خلاصی از اعطای امتیازات به دولت های خارجی صورت گرفت و سپس کشورهای غربی خرید نفت ایران را تحریم نمودند، که اگر علم به وقوع چنین تحریم گسترده ای می بود سیاسیون جرات پیدا نمی کردند به سمت قطع منافع انگلیسی ها حرکت کنند، اما در ۲۸ اسفند با وجود شرایط تحریمی گسترده ۱۵ ساله و علم به پیامدهای آن، عاقله کشور به چنین واکنش جسورانه ای مبادرت کرد. جهت چهارم؛ در پی نهضت ملی شدن نفت هیچگاه غربی ها توبیخ نشده و به اشتباه بودن رفتارهای خود اقرار نکردند، به طوریکه حتی مصدق حاضر شد برای جلب نظر آن ها، کلیه ضرر و زیان شرکت انگلیسی در دوره دو ساله ملی شدن نفت را پرداخت نماید، اما امروز با اقدام ما در بامداد ۲۸ اسفندماه، رئیس جمهور آمریکا رسماً زبان مکتوب به غلط کردن باز کرده و اینبار ما با آن که خسارت های سنگین زیرساختی و مالی بر متجاوزین تحمیل کرده ایم، خود را نیز در مقام دریافت غرامت قرار داده ایم.